

## تدلیس معنوی و تلبیس ریاکارانه و توقع ستایش و تقدیر

راه های تحصیل معارف و فضایل بی خطر نیست. از جمله تحصیل علم و دانش که یک فضیلت است گاه مانند کارهای دیگر با آفت های خطرناکی مورد تهدید قرار می گیرد. قرآن کریم آفت های راه را به سالکان طریق به روشنی نشان می دهد. هر طالب علمی باید آن ها را سرلوحه کار خود قرار دهد. یکی از آفت های راه توقع ستایش بدون کار است که در آیه ۱۸۸ سوره آل عمران مورد نکوهش شدید قرار گرفته است:

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ تُوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ تَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۸۸﴾

گمان مبر آن ها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می شوند و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده اند، مورد ستایش قرار بگیرند از عذاب (الهی) برکنارند. (بلکه) برای آن ها، عذاب دردناکی است.<sup>۱</sup>

باید توجه کرد که مخاطبان کلام وحی ساده لوحانی نیستند که بدون هیچ کار و شایستگی توقع ستایش دارند. زیرا گرچه بدون کار چیزی به دست نمی آید<sup>۲</sup> ولی صرف تبلی و ساده لوحی استحقاق چنین تهدیدی را ندارد. ظهور آیه شامل کسانی است که یا با سکوت در مقام بیان واقع را کتمان می کنند (تلبیس ریاکارانه) یا با نسبت دادن کار انجام داده نشده یا آثار دیگران به خود (تدلیس معنوی) به کار نمایشی (تدلیس معنوی و تلبیس ریاکارانه) دست می زنند و به همین سبب حسب مورد خود را عالم، عامل، زاهد و عابد می پندارند. در واقع اینها با علم و قصد و کتمان حقیقت و فریبکاری، خود را شایسته تقدیر و ستایش نشان می دهند و به این پندار غلط خوشحالند و به آن می نازند. ولی چنانکه از حکم آیه بر می آید چنین پنداری نادرست است و به نتیجه نمی رسد.

«محدثان و مفسران، شأن نزول های متعددی برای این آیه ذکر کرده اند: از جمله این که جمعی از یهود، هنگامی که آیات کتاب آسمانی خویش را تحریف و کتمان می کردند و به گمان خود از این

۱- قرآن کریم و شرح آیات منتخب، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، انتشارات تابان، چاپ سوم، ۱۳۸۹، آل عمران، آیه ۱۸۸.

۲- ناپرده رنج گنج میسر نمی شود/ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد. سعدی

رهگذر نتیجه می گرفتند، از این عمل خود بسیار شاد و مسرور بودند و در عین حال دوست داشتند که مردم آن ها را عالم و دانشمند و حامی دین و وظیفه شناس بدانند. پس این آیه نازل شد و به پندار غلط آن ها پاسخ داد. البته تصور نشود که آیه فقط مخصوص یهودیان یا منافقانی است که در صدر اسلام بودند. چه بسیارند جاهلانی که دوست دارند به آن ها دانشمند گفته شود و چه فراوان اند گناهکارانی که تلاش می کنند خود را در چشم مردم، عابد و زاهد جلوه دهند و شیادهایی که مردم را تحریک می کنند که آن ها را به خاطر اعمالی که انجام نداده اند، تقدیر کنند. بی شک همگی این افراد و مشابه ایشان، مشمول این آیه خواهند بود.<sup>۱</sup>

ممکن است برخی از طالبان علم نیز به ویژه تازه واردان به این حوزه دوست داشته باشند بدون احراز شرایط و صلاحیت به سرعت پله های معرفت را طی و به مقام رفیعی برسند. ولی چنانکه گفته شد نه تنها انسان بدون کار و تلاش راه به جایی نمی برد و کسی حق ندارد بدون عمل انتظار پاداش داشته باشد (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (نجم/۳۹) بلکه به طریق اولی هیچ کس حق ندارد کار دیگران را به خود نسبت دهد.<sup>۲</sup> زیرا کار هر کس به خود وی تعلق دارد و کتمان حق، ناروا و نابخشودنی است.<sup>۳</sup> به علاوه در صورتی که بر مبنای معیارهای اسلامی انجام دادن کار به قصد شهرت و ریا ارزشی ندارد (الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ) (ماعون/۶ و نیز ر.ک: بقره/۲۶۴ و نساء/۳۸ و انفال/۴۷).

به طریق اولی هرگاه کسی از روی نیرنگ و غرور و بدون تلاش و کوشش و با نسبت دادن آثار دیگران به خود و کتمان حقیقت توقع ستایش و ترفیع داشته باشد، امید رهایی از عذاب ندارد. بنابراین نسبت دادن آثار دیگران و نیز کارهای انجام داده نشده به خود<sup>۴</sup> نوعی فریبکاری است و از این جهت ممنوع و قابل تعقیب محسوب می شود؛ متخلف حسب مورد مسئولیت اخروی، کیفری و مدنی دارد.

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۹؛ طبیب البیان، ج ۳، ص ۴۴۵. نقل از همان، ص ۷۵ و نیز ر.ک: قرآن حکیم، ترجمه مشکینی، علی، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ص ۷۵.

۲- عمل هر کس و آثار آن متعلق به صاحب عمل است خواه آن کار مثبت باشد یا منفی. برای مطالعه بیشتر ر.ک: قاسم زاده، مرتضی و ره پیک، حسن، تبیان حقوق (پژوهشنامه قرآنی حقوق) جلد نخست، مبانی، دلایل و دادرسی، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صص ۳۸-۴۰. و نیز ر.ک: همان، جلد دوم، حقوق خصوصی، مبانی مالکیت اشخاص: کسب حقیقی، صص ۳۹ و ۴۰.

۳- برای مطالعه بیشتر ر.ک: تبیان حقوق، همان جلد سوم، صص ۲۰۱، ۲۰۲، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۵ و ۱۹۸.

۴- هر نوع گفتار بدون عمل نیز بسیار مبعوض و ناپسند است. يَتَأْتِيَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. صف/۲ و ۳.